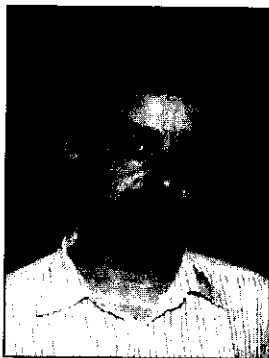


شاعران از دیدگاه‌های خود پیرامون شعر دفاع مقدس می‌گویند

عباس یکرنگی، نرغس پارسائیان



محمد کاظم کاظمی



۱- شاعران جنگ، از جبهه که برگشتند، هر یک به جایی رفتند. بعضی به خانه رفتند، بعضی به کنگره‌ها رفتند و بعضی هم تغییر سنگر دادند. یعنی با همان موضع انقلابی، در پی کشف سنگرهای جدید مانند مبارزه با نارواییهای اقتصادی و اجتماعی برآمدند. در مجموع ما اکنون سه جریان درون گرا، جامعه‌گرا و همایش‌گرا داریم که هر یک کار خود را می‌کنند. بعضی دیگر نیز تقریباً سکوت کردند. به گمان من نمی‌توان حکمی واحد برای همه شاعران دفاع مقدس صادر کرد.

۲- شعر این دو سه دهه به طور طبیعی برخوردار از میراث نوگرایان بوده است و هیچ عجیب نیست که این رد پا، در شعر دفاع مقدس نیز دیده شود؛ ولی اتکا به این میراث، در میان شاعران مشهور دفاع مقدس، آن قدرها نبود و این، علت هم داشت. این نسل از شاعران، به‌ویژه در اوایل کار، خود را در یک سنگر فکری جدا از سنگر نوگرایان (و گاه در برابر آن) می‌دیدند. شعر «خطابه» از قیصر امین پور، به واقع بیانیه فکری شاعران جنگ در قبال این مسائل بود. ولی به‌طور طبیعی، به تدریج این تقابل و رویارویی کم‌رنگ و کم‌رنگ‌تر شد و به همین میزان، برخوردار از تجربه‌های شعر مدرن نیز افزایش یافت.

به هر حال، به نظر من، نمی‌توان ربط بسیار ویژه‌ای میان شعر جنگ و شعر مدرن یافت، مگر آن مقدار ارتباط که به طور طبیعی بین نسل‌های مختلف از شاعران وجود دارد.

۳- به نظر من آنچه در شعر جنگ برجسته شده است، محتواس است. نه تکنیک صرف. یعنی شعر دفاع مقدس فقط در این عرصه است که از شعر پیش از خود، گامی پیشتر نهاده است.

در شعر دفاع مقدس یک سلسله مفاهیم وارد شد که پیش از آن، در شعر فارسی سابقه نداشت یا کم‌سابقه بود، مثل شهادت، ایثار، جانبازی، ولایت و در مجموع یک بنیادگرایی اسلامی در معنی مثبت آن.

همچنین در این شعر، نوعی تلفیق ظریف میان عرفان و معنویت از سویی و حماسه از



سویی دیگر دیده می‌شود که در ادب کهن و نیز شعر دوره نیما و پیروان او، کمتر دیده شده است.

ویژگی دیگر این شعر، نگاه فراملیتی به قضایاست، هم از لحاظ یافتن پیوند میان نهضت‌های آزادی بخش اسلامی و هم از لحاظ کمرنگ شدن نگاه ملی گرایانه. دیده‌ایم که در بیشتر جنگ‌هایی از این دست، آب و خاک و مرز و کشور قوی‌ترین مستمسک برای تشجیع مبارزان به جنگ است. ولی در شعر دفاع مقدس، آنچه نمود داشت، معیارهای فکری بود، نه عوامل نژادی یا ملیتی.

مثلاً با آنکه در متجاوزان یعنی، عرب‌گرایی یک انگیزه بسیار محکم برای جنگ بوده است، در مقابل در این سوی، کم‌ترین عرب‌ستیزی‌ای دیده نمی‌شود. بلکه غالب شاعران، مروج همان آیینی هستند که به دست اعراب به ما معرفی شد. این نکته بسیار مهم است.

□ بهروز قزلباش

۱- واقعیت این است که جنگ مثل هر واقعه اجتماعی دیگر، دوران خودش را سپری کرده است و تمام شده است. ما هشت سال با دشمنی جنگیده‌ایم که الان دوست ما است؛ بنابراین شعر جنگ هم، حالا یک رویکرد متفکرانه‌تری نسبت به جنگ دارد. آن ادبیات هنوز وجود دارد. اما نه با رویکرد تهییج مرام، بلکه با تأمل واقعیت‌های اجتماعی و حتی دیدی انتقادی نسبت حادثه جنگ. متأسفانه همان اشتقاقی که بین همه رزمندگان بعد از بازگشت از جنگ، پیش آمد در حوزه شعر هم پیش آمد. بعضی وقتی از جنگ آمدند؛ به دنبال استفاده از امتیازهایی بودند که به مناسبت حضور در جنگ به آنها تعلق می‌گرفت. یک عده سرشان را پایین انداختند و کار خودشان را کردند و گفتند که ما با خدا معامله کردیم. در حوزه شعر جنگ هم یک عده ادبیات جنگ را نان دانی خودشان کردند و دنبال این بودند که استفاده‌ای بکنند. اما کسانی هستند که این گوشه و آن گوشه، بدون ادعا و بدون طلبکاری نشسته‌اند و از جنگ حرف می‌زنند. و از ارزش‌هایی که انقلاب اسلامی با بروز و ظهور خود آفرید. به نظر من این ارزش‌های به بلوغ رسیده، پس از پایان جنگ دچار بازنگری انحرافی شد و جوانمرگ شد و امروز فراموش شده است. الان وضعیت حجاب و وضعیت آقا‌زاده‌ها و سوءاستفاده‌ها از بیت‌المال به گونه‌ای است که می‌بینید و آقا‌زاده‌ها بدون هیچ ضابطه‌ای هر غلطی دلشان می‌خواهد می‌کنند. یعنی آن ارزش‌ها را ما ضایع کرده‌ایم.

۲- به نظر من شعر دفاع مقدس در مجموعه فضایی تنفس کرده که ادبیات بعد از انقلاب، یا الهام از انقلاب در آن تنفس کرده است. این ادبیات به سمت مضمون‌هایی همچون همبستگی ملی و اتحاد، ضد ستم بودن و ضد دژخیم بودن، نبرد با استعمار و نیز به سمت استفاده از امکانات محاوره‌گرایی پیدا کرده است. شعر دفاع مقدس یک فصل بسیار مهم در ادبیات همه کشورهای دنیاست.

از طرف دیگر جریان شعر، سیر طبیعی خودش را طی می‌کرد. در سال‌های نخست به قالب‌های کلاسیک اقبال بیشتری می‌شد، اما رفته‌رفته از قالب‌های امروزی تر هم استفاده کرد اما به نظر می‌رسد که اثر چندان درخشانی در این قالب‌ها آفریده نشده و آنچه در حافظه ما مانده است دوبیتیها، رباعیها و غزلها است.

البته شاید یکی دو مورد شعر نو بتوانیم پیدا کنیم که با اقبال جامعه مواجه شد که آن هم دوره‌اش گذشت.

۳- البته شباهت‌های مضمونی فراوانی را می‌توان سراغ گرفت که در همه مقاومت‌های اجتماعی وجود دارد. اما ادبیات مقاومت کشور ما از بعضی لحاظ کاملاً منحصر به فرد است، بسامد انسانی‌ترین نوع مضمونها مثل دوستی، زیبایی، ایثار، فداکاری، شهادت و ... در شعر ما بسیار بالا است و این نتیجه طبیعی فرهنگ ما است و از این لحاظ شباهت زیادی با ادبیات مقاومت جهان وجود ندارد.

□ عبدالجبار کاتانی

۱- تفکری که انقلاب از آن ناشی شد و آرمان‌های جنگ را ترسیم کرد. یک ایدئولوژی اسلامی انقلابی، مبتنی بر قرائت جدید از دین و پیوند دادن فقاقت با زندگی امروز بشر بود. این تلاش هم در عرصه فکر و هم در عرصه عمل صورت گرفت. همین تفکر در شعر جنگ هم اضلاع آرمانگرایی را ترسیم کرد و مباحثی مثل حق و باطل و گسترش عدالت و برابری در سطح جهان و آزادی اماکن مقدس و موضوع‌هایی از این دست را مطرح کرد. در هر حال اینها سطوح پنهان تفکر دینی بود که در عرصه ادبیات و شعر با نام انقلاب و شعر جنگ خودش را نشان داد.

۲- شعر مدرن از نظر فنی در تمام دستاوردها و خلاقیت‌هایی که در طول این سالها ایجاد شده است؛ سطره داشته است. ادبیاتی که در مورد جنگ خلق شد و مدار حرکت فنی ادبیات پیشرو و مدرن ایران بود. از سال ۵۹ تا سال ۶۱، اصلاً غلبه با شعر مدرن ایران بود و رفته‌رفته شعر سنتی از سال ۶۱ به بعد با غزل‌های نصراله مردانی و سید حسن حسینی و قیصر امین‌پور غلبه پیدا کرد، و گرنه تا قبل از سال ۶۱ شعر نو گفته می‌شد. امکانات جدید قالب نیمایی و قالب‌های جدیدتر همه و همه ظرفیت‌های تازه‌ای شدند برای بیان موضوعات سیاسی و اجتماعی.

۳- اگر ما دسته‌بندی کنیم، در یک نزاع عظیم اجتماعی، چند مسئله مورد توجه شاعران قرار می‌گیرد: دفاع از هویت خودشان، سرشت تاریخی‌شان، موجودیت جنرافیایی‌شان، حس ناسیونالیسم و ستایش وطن، تحریض و تهییج و رجز و ستایش رزمندگان و تشبیه آنها به اسطوره‌های مذهبی و تاریخی و سوگسرای بر خرابیها و ویرانیها از جمله بر کشته‌های جنگ، همه این مؤلفه‌ها جزء وجوه مشترک ادبیات دفاع مقدس با ادبیات جهان هستند. البته نکات ظریفی هم در ادبیات ما وجود دارد که در ادبیات جهان کمتر مورد توجه قرار گرفته است.





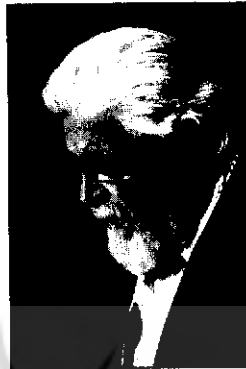
مشابهتش این است که دارند دفاع می کنند و باید با زبان و فرهنگ خودشان مردم را در جبهه نگه دارند.

□ سیدضیاءالدین ترابی

۱- به هنگام تجاوز و حمله، هر ملتی از خود دفاع می کند و ایرانیان نیز همین کار را در طی هشت سال دفاع مقدس انجام دادند. شعر دفاع مقدس از همان آغاز جنگ تحمیلی، بدون هیچ برنامه ریزی توسط نسل اول انقلاب، شکل گرفت، شاعرانی که بسیار کم بودند ولی کم کم تعدادشان زیاد شد، تا جایی که الان شاعرانی که در زمینه دفاع مقدس شعر سروده اند؛ بسیار زیاد است. این تفکر از پیش اندیشیده شده نیست؛ تفکری است که یک دفعه به وجود آمد و با حمله دشمن آغاز شد. طبیعتاً زمینه شعر حماسی از قدیم بوده است. ما بزرگ ترین حماسه - شاهنامه فردوسی- را در گذشته داشته ایم و این در ذهنیت هر ملتی وجود دارد و طبیعتاً نیاز به تفکر آنی نیست.

۲- واقعیت این است که شاعران جوانی که در عرصه انقلاب به شعر روی آوردند؛ زمینه ذهنی آنها، کلاسیک و سنتی بود و بیشتر در قالب غزل، رباعی و قصیده شعر می گفتند، لذا شعر جنگ این شاعران هم در همین قالبها بود. تعداد کمی از شاعران نوپرداز هم البته در میان آنها بودند که تعدادشان در مقایسه با شاعران سنتی خیلی کمتر بود. و هیچ ربطی به مسئله جنگ و انقلاب ندارد. واقعیت این است که آثار نوبی که در حوزه شعر جنگ سروده شدند؛ آثار برتر نیستند. شعرهایی که در قالب نیمایی گفته شده اند از نظر «هنریت» و «شعریت» ضعیف هستند، ولی از میان آنها می توان شعر خوب هم پیدا کرد. ما از نسلهای قبلی، کمتر کسی را داریم که به شعر دفاع پیوسته باشد؛ البته در شعر سنتی داریم ولی در شعر نو نداریم؛ به همین دلیل زمینه شعر نو در دفاع مقدس ضعیف است. در شعر جنگ و شعر انقلاب نوع دید و نوع اندیشه فرق می کند. البته از نظر تکنیک فرقی ایجاد نشده، مسئله تا حدی به زبان برمی گردد. زبان نسل جوان تر شاعران انقلاب، زبان زنده امروز است، ولی اینها برای استفاده از تلمیح و اشاره های قرآنی و فرهنگی به سنتها هم توجه داشتند.

۳- شعر دفاع مقدس ما با شعر جنگ جهان، از نظر محتوایی شباهت کلی دارد. کشورهایی که در حال جنگ و دفاع هستند؛ شعرهایشان دفاعی است و شعر کشور متجاوز به ندرت حالت دفاعی دارد. مثلاً در جنگ جهانی دوم، شما نمی توانید در آلمان، شعری در ستایش جنگ پیدا کنید، چون



مثلاً یکی مسئله طلب مرگ یا طلب شهادت است، هر چند شهادت و کشته شدن در راه وطن در همه جهان ستایش شده است ولی یک حس تلخ پشت این هست، اما در ادبیات ما چون شهید زنده است، رؤیت او و حضور او در شعر بیشتر تکرار می شود و به جای آنکه از فقدانش بگویند؛ از حضورش می گویند. اینها حاصل آموزه های دینی ماست که مرز بین تفکر و مکاتب بشری است.

□ استاد حمید سبزواری

۱- جنگ با چند چهره به ما تحمیل شد، جنگ اقتصادی، جنگ فرهنگی و جنگ فیزیکی. پس از آنکه ما در جنگ، پیروز شدیم، عوارض و مشکلات جنگ هنوز وجود داشت علاوه بر اینکه دفاع از فرهنگ اسلامی هنوز ادامه داشت. امام نیز به رحمت ایزدی پیوسته بود و ما با مشکلات دیگری هم درگیر بودیم.

بعضی زخمهای دوران جنگ را می خواستیم التیام ببخشیم و به بازسازی پردازیم. ما در جنگ به اقتضای آن جبهه ای که درگیر بودیم، پاسخ مناسب را داشتیم؛ یعنی سروده ها و حماسه های فراوانی نوشته شد که در کتابها و روزنامه ها ضبط شده است و الان هم در جبهه فرهنگی دوباره آن تفکر در صحنه است و فکر نمی کنم که شعر انقلاب سکوت کرده باشد. گاهی اینها اقتضاهای طبیعی است.

۲- در شعر دفاع مقدس مسئله اصلی دفاع بود، به هر زبانی و با هر ابزاری که بشود دفاع کرد؛ یک روز اقتضا می کند من سرود «خمینی ای امام» را بسازم و یک روز هم ممکن است شعر نو بگویم. دغدغه شعر و شاعران این بود که شعر چراغی باشد تا مردم بفهمند که چه طوری حرکت کنند و دچار کج روی و بی عدالتی نشوند و در شناخت دشمن و دوست اشتباه نکنند. ما در جنگ شیوه روبرو شدن با تبلیغات دشمن را آموختیم و شعر ما هم به ما توشه ای داد برای شناخت دشمن و اینکه دشمنان از جبهه های مختلفی آمده اند.

به نظر من شاعران نیمایی، سهم زیادی در شعر جنگ نداشتند. ما با زبان فردوسی و زبان حماسه های شناخته شده مان می توانستیم آن حرکت و آن بسیج مردم را باعث شویم. سرودهایی مثل «این بانگ آزادی است...» مردم را به میدان می آورد نه شعرهای نو و مدرن. سلمان هراتی که می گویند شعرش بسیار ضعیف بود؛ سلمان هراتی را بزرگش کردند و شاعر برجسته ای نبود. و قیصر امین پور هم شاعر خوبی است ولی آثار زیادی ندارد.

۳- هر کشوری فرهنگ خودش را دارد؛

● به نظر من آنچه در شعر جنگ برجسته شده است، محتواست. نه تکنیک صرف. یعنی شعر دفاع مقدس فقط در این عرصه است که از شعر پیش از خود، گامی پیشتر نهاده است.

● در این شعر، نوعی تلفیق ظریف میان عرفان و معنویت از سوی و حماسه از سوی دیگر دیده می شود که در ادب کهن و نیز شعر دوره نیما و پیروان او، کمتر دیده شده است.

● ما هشت سال با دشمنی جنگیده ایم که الان دوست ما است؛ بنابراین شعر جنگ هم، حالا یک رویکرد متفکرانه تری نسبت به جنگ دارد. آن ادبیات هنوز وجود دارد. اما نه با رویکرد تهییج مرام، بلکه با تأمل واقعیت های اجتماعی و حتی دیدی انتقادی نسبت حادثه جنگ.



اصلاً هدف انسان، آرامش و صلح است و در شعر نمی‌توان به دنبال گسترش جنگ بود. تفکر دفاعی یکی است ولی نوع برداشتی که از دفاع می‌شود؛ فرق دارد. مسئله، مسئله دیدگاه فرهنگی ما بود. ما در آنجا مرگ را مساوی نیستی می‌دانیم، اما در شعر دفاع مقدس، مرگ مادی هست ولی معنوی نیست چون مسئله شهادت مطرح می‌شود. لذا شعر ما در فضایی قدسی سیر می‌کند و شعر دیگران در زمین و خاک.

□ مصطفی رحماندوست

۱- آنچه شعر جنگ را به وجود آورد؛ خود جنگ بود... طبیعی است بعد از اینکه جنگ تمام می‌شود؛ ضرورت آن هم از بین می‌رود. در دوره جنگ شعر وظیفه‌های متفاوتی از بسیج تا تسلی و تسلیت برعهده داشت. بعد از جنگ به خصوص به شکلی که در جنگ ما خاتمه پیدا کرد (که یک جام زهر بود برای همه) خواه ناخواه آسیب روحی به مردم وارد شد و تأثیر اصلی و مشخص آن این بود که شعر جنگ به خاموشی گرایید. در تمام دنیا پس از گذشتن مدتی از جنگ، ادبیات جنگ، دوباره رشد می‌کند و با دو دیدگاه موافق و مخالف، ادبیات جدیدی به وجود می‌آید. من فکر می‌کنم خاموشی چند ساله را نباید به حساب بی‌توجهی گذاشت. این خاموشی طبیعی بوده است. از مجموع آثار و ... می‌شود برداشت کرد که دوران دوم دارد شروع می‌شود و نگاه دوباره به جنگ دارد اتفاق می‌افتد. با این حساب من کسی را محکوم نمی‌کنم که چرا فراموش کردی؟! و به کسی هم که تازه کارش را شروع کرده نمی‌گوییم تا حالا کجا بودی؟!

۲- شعر شعر است، مدرن و قدیم ندارد. شعر کلامی است که ویژگی‌های خاصی دارد. نوعی از موسیقی در کلام وجود دارد که یک‌بار ریتمها کاملاً همسان است که می‌شود کلاسیک و گاهی نیز همسان نیست. گاهی حتی موسیقی‌اش پنهان است که می‌شود شعر سپید. جنگ که در کشور ما اتفاق افتاد همه را تحت تأثیر قرار داد هم کسانی را که نوگرا بودند و هم کسانی را که کلاسیک کار می‌کردند.

۳- معمولاً شعر مقاومت کشورهای دیگر دو شکل دارد؛ یا مقاومت هنرمندانی است که کشورشان اشغال شده است که بیشتر در جنگ جهانی دوم این اتفاق افتاده، یا شعر مقاومت هنرمندانی است که یک جوری پارتیزانهای خود را تشویق می‌کنند تا حرکتی سیاسی را در جامعه به وجود آورند که نمونه‌اش را می‌توانید در فلسطین، عراق و افغانستان ببینید. حتی آن شاعر فلسطینی هم که در فرانسه نشسته و شعر می‌گوید، یک نوع شعر مقاومت گفته است. آنچه در کشور ما اتفاق افتاد از نوع اول بود، یعنی ما هم خاکمان اشغال شده بود، هم برنامهریزی شده بود تا تفکرمان اشغال شود. البته ابعاد گسترده‌تری داشت. هم ابعاد فکری داشت و هم ابعاد وطنی و ناسیونالیستی، اما در دل این ادبیات زمان جنگ، همیشه اتفاقهایی می‌افتد؛ و آن معمولاً سادگی، شتابزدگی و کم‌بودن تصویر و خیال در

این شعرهاست. در شعر ما هم این اتفاق افتاده است. اما حالا که یک اثر حماسی تولید می‌شود؛ دیگر آن شتابزدگی و سطحی بودن تصاویر را ندارد؛ چون حالا به صورت یک تاریخ افتخارآمیز درآمده است.

□ محمدحسین جعفریان

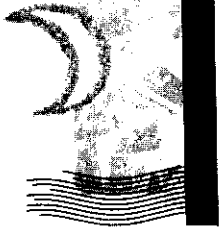
۱- تفکری که شعر جنگ را به وجود آورد؛ تفکری بود که برای این سرزمین و حفظ یک سری آرمانها قدم برمی‌داشت. و شاعران سربازان ادبی‌ای بودند که بعضی از آنها به طور هم‌زمان در جبهه هم فعال بودند. بخشی از شعر که وظیفه‌اش تهییج رزمندگان بوده، در حال حاضر ساکت است و عزلت گزیده، چون دلیل وجودی‌اش از بین رفته است. بخشی که در توصیف آرمانها و ارزشهای جنگ و تقدیس مقاومت این سرزمین بوده، کم و بیش ادامه دارد و به دنیا هم توجه می‌کند. به عنوان مثال وقتی در بالکان بحران برپا شد، عمده‌ترین واکنش ادبی در جریان شعر فارسی رخ داد و همان زمان کتابی به نام «فریاد پشت پنجره جهان» منتشر شد که بیش از صد شاعر ایران در آن شعر داشتند. یا جریان مقاومت فلسطین، لبنان، افغانستان و عراق مورد حمایت ادبی شعر ایران قرار گرفته است. عده‌ای هم در زمان جنگ بودند که در مخالفت با جنگ شعر می‌گفتند که اینها نیز هنوز سروده‌هایی دارند و تلاش می‌کنند آن موضع قبلیشان را داشته باشند. البته جریان ادبیات مقاومت در حوزه شعر زودتر ثمر می‌دهد، اما در حوزه رمان ما شاید باید سالها صبر کنیم.

۲- دوره جنگ، جریانهای ادبی مدرن و پست مدرن کمتر وارد این سرزمین شده بود. شعرهایی که مدرن باشند و درباره دفاع مقدس باشند؛ بعد از جنگ سروده شده‌اند. ما در حوزه ادبیات مدرن به خصوص در بخش شعر خیلی نمی‌توانیم شاهد آثار موفق مربوط به جنگ باشیم، چون در عصر خود به وجود نیامده است. خود من هم تلاشهایی کرده‌ام تا این دو جریان را آشتی بدهم که موفق نبودم و فکر می‌کنم شعرهایی که این طوری خلق می‌شوند؛ خیلی خصوصی‌اند. البته شعر جنگ خیلی مرهون نیما است. سلمان هراتی تقریباً همشهری نیما است. قیصر امین‌پور و عبدالملکیان کارهای موفقی در این زمینه دارند. بحث در مورد تأثیر نیما بر شعر جنگ یک بحث ویژه و اختصاصی است که مجال مفصل‌تری می‌طلبد. تفاوت شعر دفاع مقدس، با بقیه نمونه‌های ادبیات امروز فارسی، به نظر من فقط در موضوع آن است. این طور نیست که شعر جنگ از نظر فرم و تکنیک، تفاوت جدی با نمونه‌های دیگر داشته باشد.

۲- من فکر می‌کنم که شعر دفاع مقدس، شباهتهایی با شعر جنگ جهان دارد. البته فقط از این جهت که عده‌ای از شاعران ما که در حوزه دفاع مقدس کار کرده‌اند، به یکی از موضوعهایی که توجه کرده‌اند شعر جنگ بوده و کارهای خودشان را هم می‌کرده‌اند و این باعث یک سری مشکلات شده و باعث شده که یک شاعر مشخص در



مجموعه مقالات علمی-پژوهشی
فصلنامه علمی-پژوهشی
فصلنامه علمی-پژوهشی
فصلنامه علمی-پژوهشی



● **تفکری که انقلاب از آن ناشی شد و آرمانهای جنگ را ترسیم کرد. یک ایدئولوژی اسلامی انقلابی، مبتنی بر قرآنت جدید از دین و پیوند دادن فقهت با زندگی امروز بشر بود. این تلاش هم در عرصه فکر و هم در عرصه عمل صورت گرفت.**

● **دغدغه شعر و شاعران این بود که شعر چراغی باشد تا مردم بفهمند که چه طوری حرکت کنند و دچار کج روی و بی عدالتی نشوند و در شناخت دشمن و دوست اشتباه نکنند. ما در جنگ شیوه روبه رو شدن با تبلیغات دشمن را آموختیم**

● **واقعیت این است که آثار نویی که در حوزه شعر جنگ سروده شدند؛ آثار برتر نیستند. شعرهایی که در قالب نیمایی گفته شده اند از نظر «هنریت» و «شعریت» ضعیف هستند،**



منفعل بود و به جای اینکه در فرهنگ زلال و عمیق دفاع مقدس ریشه بدواند و به برگ و بار بنشیند، شعر اندوه و حسرت شد. اگر عزیزانی که در شعر دوره نخست حرف اول را می زدند، پویا و بانشاط در میدان مانده بودند بی شک خود همانند گذشته جریان ساز بودند و آن حرکت آغازین را در یک ساحت فکری عمیق تر به سرانجام می رساندند.

۲- اگر مراد از شعر مدرن، شعری است که همه ویژگیهای اصیل شعر را دارا باشد و از معیارهای زیباشناسانه روز هم برخوردار باشد. باید گفت شعر جنگ، یک شعر مدرن است. نسل اول شاگردان نیما با جنگ و شعر دفاع مقدس، چندان ارتباطی نداشته اند و با بی تفاوتی از کنار آن گذشته اند و اگر هم کاری کرده اند، در مقایسه با آثار بچه های انقلاب، بسیار ضعیف و ناچیز بوده است. برخی از گفتنیها را سید حسن حسینی در مقدمه گزیده شعر جنگ گفته است. از این که بگذریم شعر نیمایی و پیروان دوره های اخیر آن در جنگ حضور فعال داشته اند و دوشادوش شعر کلاسیک، قطار عظیم شعر دفاع مقدس را پیش برده اند. آثار قیصر امین پور، محمدرضا عبدالملکیان و سلمان هراتی مؤید این ادعا است.

۳- دفاع مقدس ما فراتر از مقاومت های معمولی جهان بود و شعر دفاع مقدس هم تفاوت بنیادین با شعر مقاومت جهان دارد. شعر دفاع مقدس تا آنجا که در باب ظلم ستیزی و آزادی خواهی و امثال آن است با شعر مقاومت دیگر کشورها وجه مشترک دارد، اما دفاع مقدس و شعر دفاع مقدس ما با مفاهیم عمیق تری از توحید و شهادت و عرفان و معنویت آمیخته است که در هیچ جای جهان نظیری ندارد. هر چند شعر مقاومت در جهان و به خصوص شعر مقاومت در کشورهای اسلامی - به ویژه فلسطین - فی نفسه ستودنی است.

■ **مجید نظامت**

۱- قسمتی از شاعران جنگ ممکن است تغییر عقیده داده باشند، یا سکوت کرده باشند. این موضوع البته خیلی هم نگران کننده نیست. اصحاب هر تفکری ممکن است در مسیر حرکت به سوی هدف دچار تشکیک و تغییر شوند. در مجموع، فکر نمی کنم شعر متعهد سکوت کرده باشد، چون شاعر متعهد، همیشه متعهد است و در همه آنات و لحظه ها، این تعهد را حفظ می کند. بخشی از شعر جنگ سرشار از حسرت بازگشتن به دوره جنگ است که این به خاطر معنوبتی است که در آن دوران حاکم بود و ممکن است برای جوان ترها عجیب باشد.

عرصه دفاع مقدس نداشته باشیم. شعر مقاومت ما کاملاً قابل مقایسه است با ادبیات مقاومت در اروپا، امریکای لاتین، آفریقا، خاور دور، افغانستان و... خلاصه اینکه اگر نگوییم شعر مقاومت ما یک سر و گردن از آنها بالاتر است، چیزی از آن کم ندارد. متأسفانه بخش عمده ای از منتقدان ادبی ما به خصوص آنهایی که با نظام مشکل دارند سعی کرده اند عظمت شعر جنگ را نادیده بگیرند. البته جبهه گیری به اعتقاد من در هر دو طرف اتفاق افتاده است و هر دو گروه سعی کرده اند شعرهای درخشان آن طرف را به رسمیت نشناسند. امیدوارم که منتقدان منصفی از دو طرف بیایند و به شعر و ارزش هنری اثر توجه کنند.

■ **زکریا اخلاقی**

۱- دفاع مقدس ما مثل هر جنگ دیگری دو مرحله دارد؛ یکی مرحله هشت ساله ای که ما مستقیم درگیر جنگ بودیم و یکی هم مرحله پس از آن است. شعر جنگ در دوره اول شعری پرشور و حال، سیال و پرتیش، ساده و البته تا اندازه ای هم سطحی بود. این شعر انعکاس روشنی از شکستها و پیروزیها و حوادث تلخ و شیرین جنگ بود. وظیفه ترغیب و تهییج را هم برعهده داشت و به خوبی هم از عهده برآمد. این نکته را ما، هم در آن روزگار به تجربه درمی یافتیم و هم امروز که از آن واقعه فاصله گرفته ایم، در یک قضاوت منصفانه می توانیم به آن برسیم. کاری که شعر در آن دوره انجام می داد؛ کار بسیار شگفتی بود. شعر در آن دوره از همه هنرها جلوتر بود، اما وقتی این آتش به ظاهر فرونشست، روشن است که وظیفه شاعران تغییر می کند. در این مرحله شاعران از وجه حماسی به وجه معنوی آن روی می آورند. طبیعی است که شاعران از وادی احساس و عاطفه به عرصه تدبر و اندیشه بیایند و با ژرفکاوای این حادثه و دستاوردهای عظیم آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند. ولی با کمال تأسف خیلی از شاعران جنگ، بعد از جنگ خیلی فعال در عرصه شعر ظاهر نشدند و اغلب یا سکوت کردند، یا خیلی کم رنگ و کم رmq به جلسه های شعری شان ادامه دادند و شعر در این مرحله چندان شکوهمند و تابناک ظاهر نشد. جریانهای ادبی نوین هم چندان ارتباطی با آرمانهای آسمانی دفاع مقدس ندارند. دوستانی که این جریانها را ساکننداری کرده اند یا به هیچ وجه دغدغه های مقدسی نداشته اند و یا به درک درخوری از مفاهیم عمیق مرتبط با دفاع مقدس نرسیده بودند. و متأسفانه عرصه شعر در این سالها بیشتر عرصه موج و موج سواری بوده است. شعر پس از جنگ بیش از اینکه فعال باشد،



۲- شعر دفاع مقدس، با توجه به آن شور و حال باید سریع سروده می‌شد و این شعر برای تشویق مردم برای حضور در صحنه گفته می‌شد و خیلی هم دغدغه فرم و شکل نداشت. این شعر بیشتر محتواگرا بود. مرحوم سیدحسن حسینی جایی گفته بود، کسی که دستش لای در برود، خیلی مؤدبانه نمی‌گوید: دستم درد گرفت. شاعران جنگ هم دغدغه فرم نداشتند و مسئله‌شان محتوا بود. این شعر وظیفه‌اش همراهی با رزمندگان بود و دعوت مردم به جبهه و بزرگداشت شهدا. این وظیفه در سالهای اول جنگ بیشتر بر عهده شاعران پیش‌کسوت بود. شاعرانی که پیش از جنگ هم به‌عنوان شاعر در کشور مطرح بودند؛ منتهی چند سالی که از جنگ گذشت، نسل جدیدی از شاعران جوان، میدان‌دار شدند. این شاعران جوان که خودشان هم بیشتر در میدانهای جنگ، حضور داشتند و جنگ را به‌طور مستقیم لمس کرده بودند، به دلیل روحیه جوانی و پویایی که ذاتی نسل جوان است، بعد از چند سالی فکر کردند که باید شعر جنگ جدای از محتواگرایی و بحثهای ارزشی، در شکل و فرم نو شود. اینها در طول آن مدت که گذشته بود؛ شعرهایی هم گفته بودند و قدری کارآمدتر شده بودند و تجربه بیشتری در شعر متعهد پیدا کرده بودند. به علت همان پویایی‌ای که گفتیم اطلاعاتشان هم بیشتر شده بود، اینها به شکردهای تازه و فرمهای امروزی‌تر شعر هم رغبت نشان دادند. این گونه، شعر جنگ کم‌کم از انحصار قالب کلاسیک بیرون آمد و شاعران جوان به سمت قالبهای نو کلاسیک روی آوردند. شعر نو کلاسیک و غزلی که امروز در جامعه ادبی ما شیوع دارد منشأ و مبداءش همان چند سال اولیه جنگ است. شاعرانی مثل قزوه، امین‌پور، سیدحسن حسینی، محبت، اسرافیلی، کاکائی عبدالملکیان، کاظمی، محدثی، ساعد باقری و... توفیق یافتند تا با توجه به آگاهی‌هایی که در طول زمان به آن می‌رسیدند؛ حال و هوای تازه و باطراوتی به شعر دفاع مقدس بدهند و شاعرانی مثل سلمان هراتی با هفت هشت سال فاصله سنی با شاعران نسل قبلی جنگ موفق شدند آثار موفق‌تری ارائه بدهند. بدین گونه بعد از سالهای اول، شاعران جنگ کم‌کم به شعر نیمایی و شعر سپید هم اقبال کردند و نمونه‌های خوبی هم از اینها در دست است.

۳- از نظر محتوا شعر جنگ ایران، شباهت چندانی با گونه‌های مشابه خود در دیگر کشورها ندارد. به خصوص در مورد شاعران متعهد این نکته برجسته‌تر است؛ اما گروهی از شاعران روشنفکر باقی مانده از قبل از انقلاب چون به جنگ نگاه اعتقادی نداشتند، جنگ را به گونه‌ای می‌دیدند که با دیدی که در همه دنیا به جنگ هست تفاوت زیادی نداشت. در شعر اینها شباهتهایی با شعر جهان وجود دارد. اما در آن چیزی که ما به آن شعر دفاع مقدس می‌گوییم از نظر محتوا اصلاً شباهتی وجود ندارد. یعنی شاعران غربی جنگ را یک چیز تحمیلی می‌دیدند که در آن فقط کشت و کشتار و خون‌ریزی اتفاق می‌افتد.

اما در شعر دفاع مقدس، جنگ یک جور دانشگاه است و به هیچ وجه جنگ، کلمه دقیقی نیست و همان دفاع مقدس، واژه دقیق‌تری است؛ چرا که ما چاره‌ای جز دفاع نداشتیم. در مجموع پدیده‌ای مثل دفاع مقدس در هیچ جای دنیا اتفاق نیفتاده است و شعر دفاع مقدس هم هیچ شباهت فرمی و محتوایی با شعر جهان ندارد. شاید اگر کسی تحقیقی جدی در این زمینه انجام بدهد به شباهتهایی جزئی دست پیدا کند. اما چون من این کار را انجام نداده‌ام؛ در حد کلی می‌توانم عرض کنم شباهتی احساس نکرده‌ام.

□ شیرین علی گلرادی

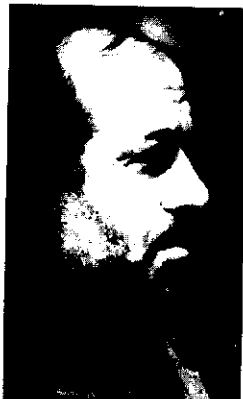
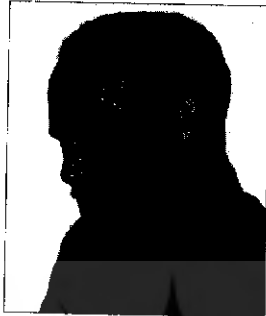
۱- وجه امتیاز شعر دفاع مقدس نسبت به گذشته به نوعی پایداری در مقابل هر گونه مفاسد اجتماعی و سیاسی است. البته در اصل شعر و ادبیات ایران بر پایه مقاومت و پایداری بنا شده است، حتی در نخله‌های عاشقانه، طالب نوعی آرمان خواهی است. جریانی که شعر دفاع مقدس را پدید آورد، بعد از جنگ هم این هدف را دنبال می‌کرد که همسو با هدفهای دین مقدس اسلام باشد و ارزشها و شیوه‌های نیک انسانی را جست‌وجو کند.

۲- خود کلمه جنگ، اصلاً کلمه زشتی است. عده‌ای می‌خواستند با تکیه بر همین مسئله در نوشته‌هایشان این تصور را ایجاد کنند که شعر دفاع مقدس، شعر خشونت است. به نظر من مؤلفه بارز شعر دفاع مقدس این است که این نوع شعر، عاطفی‌ترین شعر است. این شعر، شعر صلح است و در مقابل تجاوز و در مقابل جنگ ایستاد. دفاع در وجود همه موجودات است، حتی در وجود گیاهان و جانوران. و دفاع مقدس عالی‌ترین نوع دفاع است. کلمه‌هایی مثل شهادت، سجد، وضو و نماز بسامد بسیار بالایی در شعر دفاع مقدس دارند. خود این کلمه‌ها روشن‌کننده وضعیت شعر دفاع مقدس هستند شعر دفاع مقدس دستمایه‌ای قوی از قرآن و نهج البلاغه دارد.

۳- یکی از شاعران معروف فلسطین «سمیح القاسم» سالها پیش به ایران آمده بود، خبرنگاری از او پرسید که آیا شما سنگ هم پرتاب می‌کنید. او در جواب گفت که این وظیفه من نیست، من شعر می‌گویم و بچه‌های فلسطین سنگ پرتاب می‌کنند. در شعر دفاع مقدس ما این طور نبود. بسیاری از شاعران ما خودشان به شهادت رسیدند. البته شاید شعر جهان و شعر فلسطین بسیار هنری‌تر باشد، اما در حوزه عمل بین شعر ما و شعر جهان این تفاوت وجود دارد.

□ حسین اسرافیلی

۱- شعر دفاع مقدس و شعر پایداری در زمان ما به یک نوع همه جانبه‌گرایی رو آورد و شاعران به مقاومت و پایداری در برابر دشمن، بیشتر بها دادند. این جریان به طور طبیعی بعد از جنگ به زندگی خود ادامه داد، ولی این بار سعی کرد در مقابل آن نفسانیات که جنگ را





● در تمام دنیا پس از گذشتن مدتی از جنگ، ادبیات جنگ، دوباره رشد می‌کند و با دو دیدگاه موافق و مخالف، ادبیات جدیدی به وجود می‌آید. من فکر می‌کنم خاموشی چند ساله را نباید به حساب بی‌توجهی گذاشت. این خاموشی طبیعی بوده است.

● وقتی در بالکان بحران برپا شد، عمده‌ترین واکنش ادبی در جریان شعر فارسی رخ داد و همان زمان کتابی به نام «فریاد پشت پنجره جهان» منتشر شد که بیش از صد شاعر ایران در آن شعر داشتند.

● عده‌ای از شاعران ما که در حوزه دفاع مقدس کار کرده‌اند، به یکی از موضوعهایی که توجه کرده‌اند شعر جنگ بوده و کارهای خودشان را هم می‌کرده‌اند و این باعث یک سری مشکلات شده و باعث شده که یک شاعر مشخص در عرصه دفاع مقدس نداشته باشیم.



مثل عراق؛ به این بهانه که «صدام» یک آدم سرگش است و منطقه را به خطر انداخته است. خب گول این حرف را فقط ساده‌لوحها می‌خورند. این جنگ باید صورت بگیرد، چون سرمایه‌داری جهان، زرادخانه‌های عظیمی درست کرده که باید مصرف بشوند و به فروش برسند.

یعنی الان سرمایه‌داری آمریکا به هیچ‌وجه نیت دمکراسی یا آزادی خواهی ندارد، بلکه می‌خواهد روی چاههای نفت بنشیند و با سلطه بر افغانستان و عراق و ... منطقه خاورمیانه را در دست بگیرد. شعر جنگ ایران متأسفانه به نظر من جز جنبه‌های گزارشی و وقایع نویسی کار زیادی انجام نداده است. بیشتر نویسندگان آمریکا و اروپا محصول جنگ‌هایشان بوده‌اند، که به نظر من شعر و ادبیات جنگ ما هم باید بنشیند و درباره جنگ تحلیل و داوری بکند.

۲- شعر وقتی شعر شد دیگر فرقی نمی‌کند مدرن یا غیر مدرن، هر موضوعی وارد دنیای شعر می‌شود. خوشبختانه بسیاری از شاعران انقلابی ما هم به نحو مطلوبی با بیان مدرن آشنا شده‌اند و بسیاری از شعرها را من دیده‌ام که با دلپذیری و قدرت مسائل جنگ و دربه‌داری و آوارگیها و تبعات جنگ را بیان کرده‌اند و از این موضوع خیلی خوشحالم، البته در حیطه داستان ما هنوز محتاج کار بیشتری هستیم، ولی شعر ما بسیار خوب دارد رشد می‌کند.

در این شعر یک گلولة مؤلفه نیست، بلکه عاطفه مؤلفه است. حس پشیمانی سرباز عراقی و اینکه با چه کسی دارد می‌جنگد؛ مؤلفه است. اینکه یک سرباز عراقی فکر می‌کند که این صدام کیست که من دارم برایش می‌جنگم، این یک مؤلفه است اینها مولفه‌هایی هستند که در شعر جنگ به آن توجه شده و باید هم توجه بشود.

۳- شعر جنگ در کشورهای دیگر، خیلی عمیق‌تر است، مثلاً تی اس الیوت شعری دارد به اسم «سرزمین عقیم» که این شعر برای جنگ اول ساخته شده است. در این شعر می‌بیند که همه آن ارزشهایی که به اسم دین و مذهب و کلیسا و ... به آن اعتقاد داشت با دو تا خمپاره فروریخت و مردم ناگهان جانی و دزد شدند. اینها را در شعرش بازتاب می‌دهد و از رفتارها و کردارهایی می‌گوید که روزی زیبا بود و حالا زیبا نیست و از دست رفتن اخلاق مسیحی و اخلاق انسانی سخن می‌گوید. در مقاومت ایران بن‌مایه دینی از قوی‌ترین انگیزه‌ها بود که به مردم انرژی ایستادن در مقابل آن ارتش عظیم را می‌داد اما در کنارش بن‌مایه وطنی هم نقش مهمی داشت. که نباید ندیده گرفته شود.

تحمیل کرده بود، پایداری کند و با آنها مقابله کند. طرح ایمان، ارزشها، فداکاریها و برانگیختن مخاطب به ایستادن در مقابل ظلم و ستم، رویکرد جریان شعر دفاع مقدس بعد از جنگ بود. در چنین فضایی حتماً نباید از غرش تانکها و توپها سخن گفته می‌شد، بلکه پایداری در این فضا، مواجهه با آن نفسانیات بود و نیز تلاش برای آموختن ایستادگی و سربلندی به جوان‌ترها.

۲- شعر دفاع مقدس از قالبهای مرسوم روزگار استفاده کرد. همین‌طور از تکنیکهای رایج در ادب گذشته فارسی هم بهره برد. در کنار استفاده از آرایه‌های ادبی، مهم‌ترین مؤلفه شعر پایداری و شعر بعد از انقلاب، اندیشمند بودن شعر و آرمان‌گرا و هدفمند بودن آن است. شعر قبل از انقلاب طوری شده بود که به هنر برای هنر رسیده بود و صرف زیبایی و تصویر هدف شده بود. البته افرادی بودند که به‌طور انفرادی اهداف انقلابی را هم پی گرفتند و به ارزشهای انسانی هم توجه داشتند، ولی بارز شدن مسئله اندیشه و آرمان، مؤلفه مهم شعر بعد از انقلاب است. شاعران انقلاب در فضایی شعر می‌گفتند که تحت تأثیر تفکر دکتر شریعتی یا استاد مطهری بودند و به عبارتی تربیت‌شده این فکر هستند.

۳- بعد از رنسانس هر روز در جهان تغییر تفکر و تغییر مکتب فلسفی مد شد. شعر و هنر هم نشأت گرفته از همین پرسشها و جهشها مدام چهره عوض می‌کند. به نظر من همه اینها ناشی از خلاء معنویت است. در چنین دنیایی شیطان پرستها هم به‌وجود می‌آیند. ولی ما تحت تأثیر تفکر شیعی، ارزشها و ایده‌های مشخصی داشته‌ایم. و هنر ما نیز به همین نسبت، ثابت و آرامش داشته است.



پوشاک و تجهیزات نظامی

□ **منوچهر آتشی**

۱- وقتی ما از جنگ صحبت می‌کنیم، جنگ دو مرحله دارد، یکی مرحله فیزیکی یعنی همان مرحله که یکی می‌زند و یکی دفاع می‌کند، و دوم مرحله‌ای است که جنگ تمام می‌شود و واکنشهای عامی وجود دارد و واکنشهای خاصی. یعنی کینه‌ای شکل می‌گیرد یا احساسهای دیگری در وجود آدمها. به نظر من جنگ، شب و روز ادامه دارد و یک نبرد مداوم بین خوب و بد و منطقی و بی‌منطقی جریان دارد. در هر جنگی، ما نخست باید ببینیم که این جنگ چرا آغاز شد و ریشه‌هایش چه بود. مثلاً همین جنگ اخیر عراق، چرا یک کشوری از آن سوی دنیا با آن همه تجهیزات و یارگیری می‌آید و حمله می‌کند به کشوری



صابر امامی

۱- اگر شعر دفاع مقدس را به این معنا بگیریم که جزء ادبیات مقاومت ملت ایران و متولی دفاع از آرمانهای این ملت باشد، در این صورت تفکری که این شعر را به وجود آورده، این تفکر هنوز هم حضور دارد و به شکل ایده‌های مختلفی درآمده است. ادبیات دفاع مقدس که آن روز به طور متمرکز با یک حمله نظامی مواجه بود؛ امروز پراکنده شده و به صورت نیروهای گوناگون در جبهه‌های فرهنگی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی درگیر است.

۲- در شعر دفاع مقدس چهره‌های موفقی مثل آقای عبدالملکیان و قیصر امین‌پور و سیدحسن حسینی را داریم که توانسته‌اند در استفاده از پیشنهادها و نیمه موفقی باشند. نیمه دو راه اساسی را بنیان گذاشته است یکی دست‌کاری در عروض شعر سنتی فارسی که به آن امکان داده که انبساط در وزن داشته باشد و قافیه از حالت تزینی درآید؛ دیگری نگاه جدید داشتن به جهان است. و بسیاری از شاعران دفاع مقدس از این دو مشخصه به خوبی استفاده کرده‌اند، برخی چهره‌ها مثل نصراله مردانی و علی معلم، نگاه نو را در بافت‌های سنتی ارائه دادند. در ادامه این روند شعر مدرن از بطن شعر دفاع مقدس، زاده می‌شود، حرکت‌هایی که امروز در رابطه با قالب غزل صورت گرفته و مثلاً غزل سپید شکل گرفته و سرودن شعر آواها و یا معناگرایی، همه اینها زاده دو دهه اصرار ادبیات انقلاب بر معناگرایی و حفظ فرم به خصوص فرمهای سنتی شعر است. در مورد مؤلفه‌های شعر دفاع مقدس هم من همین قدر حضور ذهن دارم که عناصری مثل محتوای تازه برای غزل، دست‌کاری و افزایش وزن مثنوی، سرودن «شعر قصه‌ها» در قالب سپید و روحیه معترض و درگیر با بی‌عدالتی... از ویژگی‌های شعر دفاع مقدس هستند.

۳- به نظر من «شعر قصه‌ها» از تأثیراتی است که

ادبیات مقاومت فلسطین بر شعر ما گذاشته است که در کارهای امثال نزار قبانی و محمود درویش آثاری از این دست می‌بینیم؛ که کارهایی از این گونه را خود بنده هم ترجمه کرده‌ام؛ چون جنگ ایران در جنوب اتفاق افتاد که فضایی عربی داشت؛ این تأثیر جدی‌تر بود. البته بحث روی این مسئله مجال بیشتری می‌طلبد.

سیداحمد نادمی

۱- تفکری که شعر دفاع مقدس را به وجود آورده، همان تفکری است که شعر انقلاب را به وجود آورده است. حالا زمانه عوض شده است اما موضع‌گیری این بزرگواران سر جای خودش است و دفاع از حق و عدالت اجتماعی را به عنوان یکی از عنصرهای جدی در شعرشان دنبال می‌کنند. من به ندرت دیده‌ام که کارهای این دوستان شخصی شده باشد و همچنان در شعرشان با سلاح واژه با ظلم درگیر می‌شوند.

۲- شعر دفاع مقدس به نظر می‌رسد که نشأت گرفته از مدرنیته باشد اما البته از جریان مدرنیسم در شعر و از دستاوردهای مدرنیته استفاده کرده است و از ساختارهای تازه ارائه شده، استفاده کرده است، مثل شعرهای محمدحسین جعفریان و بسیاری دیگر از دوستان، ویژگی و مولفه مهم فکری شعر دفاع مقدس این است که هیچ‌کس جنگ را تقدیس نکرده بلکه جنگیدن را تقدیس کرده‌اند؛ جنگ یک امر واقعی و گریز ناپذیر تلقی شده است و همین طور هم با آن برخورد شده است. مؤلفه‌های اصلی دفاع از عقیده، وطن و... هستند، تلخیها و پیامدها و ناگواریهای جنگ هم گفته شده است. اما این بحث بیشتری می‌طلبد که شعری که در دوره جنگ سروده شده چه مؤلفه‌هایی داشته است و شعری که الان سروده می‌شود، چه مؤلفه‌هایی دارد. به نظر حرف سیدحسن حسینی، دقیق است و بهتر است از این به بعد ما از شعر اعتراض، صحبت کنیم و فراموش نکنیم که ما هنوز در وضعیت جنگ قرار داریم، الان ممکن است در شعرهای عاشقانه شما حضور این جنگ را حس کنید.

شعر جنگ ما از باوری نشأت می‌گیرد که این باور را می‌توانید در شعری که او برای زلزله گفته است هم ببینید، ارجاع به جنگ و نتیجه‌گیری از برجسته‌ترین عنصرهای شعرهای موفق امروز است.

۳- شعر دفاع مقدس ما چون در مواجهه مستقیم با جنگ سروده شده است؛ خیلی فرق می‌کند با شعری که شاعر انگلیسی‌زبان یا شاعر فرانسوی، درباره جنگ عراق می‌گوید، شعر جنگ ما آمیخته با تفکر دینی است و تحت تأثیر انکاره‌های امام خمینی، استاد مطهری و دکتر شریعتی قرار دارد. مهم‌ترین تفاوت شعر دفاع مقدس را با شعر جهان می‌توان در چنین سطرهایی مشاهده کرد «دلیم برای جبهه تنگ شده است» یا «بیا مادر که اینک کربلا می‌خواندم»

